

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قواعد فقہیہ

کرایش فقہ و اصول

استاد: حجت الاسلام والمسلمین آل‌وستانی

آموزشیار: آقای ابوالفضل نقاش زاده

مقدمه

یکی از قواعد بسیار معروف بین فقهای مسلمان، اعمّ از شیعه و سنی، قاعده «لا ضرر» است. بنابر مسلک مشهور در تفسیر این قاعده که مفاد آن را نفی حکم ضرری می‌دانند، آثار مهمی در بسیاری از فروع فقهی بر آن مترتب می‌گردد. به همین خاطر، از دیرباز، این قاعده مورد اهتمام و توجه فقها بوده، به گونه‌ای که رساله‌های مستقلی پیرامون آن تألیف نموده‌اند. به خصوص در سده‌های اخیر و بعد از آن که شیخ انصاری (ره) این قاعده را در کتاب اصولی خود مطرح نمودند، این قاعده به کتب اصولی نیز راه پیدا کرده است.

مصنّف در این کتاب، به صورت خلاصه و مختصر قاعده «لا ضرر» را مطرح نموده و به بحث از حواشی و جزئیات آن پرداخته است. برای مطالعات بیشتر، می‌توانید به رساله «قاعده لا ضرر و لا ضرار» آیت الله سیستانی - که مورد عنایت مصنّف کتاب نیز بوده است - مراجعه نمایید.

متن درس

قاعدة لا ضرر

قاعدة لا ضرر من القواعد المهمة في مقام الاستنباط، فإنه بناء على كون المقصود منها نفي الحكم الذي ينشأ منه الضرر فسوف يثبت لدى الفقيه نفي وجوب الوضوء إذا ترتب عليه الضرر و نفي وجوب الصوم إذا ترتب عليه الضرر و نفي حرمة حلق اللحية إذا ترتب على عدمه الضرر و نفي حرمة ابراز المرأة بعض محاسنها إذا ترتب على عدمه الضرر و نفي حرمة كشف المرأة عورتها أمام الطبيب لأجل العلاج أو التلقيح أو الولادة إذا ترتب على عدمه الضرر و أمثال ذلك كثير و قد بالغ بعض العامة حتى قال: انّ الفقه يدور على خمسة أحاديث، أحدها حديث لا ضرر و لا ضرار و قد اهتمّ بها علماؤنا الأعلام حتى ألف كثير منهم رسائل مستقلة في ذلك، كشيخ الشريعة الاصفهاني و الميرزا النائيني و غيرهما و قد بحثها الشيخ الأعظم في الرسائل في مبحث شرائط جريان الاصول العملية الذي ذكره تحت عنوان خاتمة، فإنه نقل عن الفاضل التوني: إن من جملة شرائط جريان أصل البراءة عدم ترتب ضرر على اجراء البراءة و بهذه المناسبة أخذ بالبحث عن قاعدة لا ضرر بشكل مستقل و تابعه على ذلك من تأخر عنه، فأخذوا بالبحث عنها في الموضوع المذكور و بعضهم يطب و بعضهم يختصر و نحن نحاول الاختصار كي يسهل على الطالب هضم مباحثها و نمنهج الحديث عنها ضمن النقاط التالية: ١- مضمون القاعدة. ٢- مدرك القاعدة. ٣- اختلاف صيغة الحديث. ٤- الجمع في الرواية أو في المروي. ٥- توضيح مفردات الحديث. ٦- المقصود من قاعدة لا ضرر. ٧- تطبيق الحديث على قضية سمرة. ٨- كيف يدفع محذور كثرة التخصيص. ٩- شمول الحديث للأحكام العدمية. ١٠- وجه تقدم الحديث على الأدلة الأولية. ١١- الضرر الواقعي أو العلمي. ١٢- تعارض الضررين. ١٣- تطبيقات.

١- مضمون القاعدة

وقع الاختلاف بين الأعلام في المقصود من قاعدة لا ضرر و لا ضرار، فالشيخ الأعظم في رسائله فهم منها: ان كل حكم يتسبب من ثبوته ضرر على المكلف فهو مرفوع و غير ثابت في الشريعة و بكلمة أخرى: كل حكم شرع في الإسلام فهو ثابت ما دام لا يلزم من ثبوته ضرر على المكلف و في أي فترة و حالة يلزم الضرر من ثبوته فيها كان مرتفعاً و قد تابع الشيخ الأعظم في رأيه هذا جماعة ممن تأخر عنه و ذهب آخرون - و من جملتهم شيخ الشريعة الاصفهاني - إلى ان المقصود النهي عن الاضرار بالآخرين و تحريم ذلك و ليست بناظرة إلى الاحكام الشرعية و نفيها حالة لزوم الضرر و هناك تفاسير اخرى نكتفي الآن بما ذكر و سيّضح بعضها الآخر فيما بعد إن شاء الله تعالى.

٢- مدرك القاعدة

وردت جملة «لا ضرر و لا ضرار» في ثلاثة موارد:

١- قضية سمرة بن جندب التي رواها الكليني في الكافي بالشكل التالي: «عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن عبد الله بن بكير عن زرارة عن أبي جعفر (ع) قال: إن سمرة بن جندب كان له عذق في حائط لرجل من الأنصار و كان منزل الأنصاري بباب البستان و كان يمرُّ به إلى نخلته و لا يستأذن، فكلمه الأنصاري ان يستأذن إذا جاء فأبى سمرة، فلما تأبى جاء الأنصاري إلى رسول الله صَلَّى الله عليه و آله فشكا إليه و خبره الخبر، فأرسل إليه رسول الله صَلَّى الله عليه و آله و خبره بقول الأنصاري و ما شكَا و قال: إن أردتَ الدخول فاستأذن فأبى، فلما أبى ساومهُ حتى بلغ به من الثمن ما شاء الله، فأبى أن يبيع، فقال: لك بها عذق يمدّ لك في الجنة، فأبى أن يقبل، فقال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله للأنصاري اذهب فاقلعها و ارم بها إليه فإنه لا ضرر و لا ضرار».

[إضافة كلمة «على مؤمن» و قد رواها الكليني نفسه ثانية و بعد عدة أحاديث بهذا الشكل ...]

قاعده «لا ضرر»

قاعده «لا ضرر» از قواعد بسیار مهم در مسیر استنباط و استخراج احکام شرعی است. با استفاده از این قاعده، احکام اولیه‌ای که منشأ ضرر واقع می‌گردند، از مکلف برداشته می‌شوند،^۱ به طور مثال، اگر وضو یا روزه بر مکلف ضرر داشته باشند، دیگر بر او واجب نیستند، همچنین اگر تراشیدن ریش یا پوشش زن برای آن‌ها مضر باشد، حرمت ریش تراشی و آشکار نمودن زینت برداشته می‌شود.

اهمیت این قاعده به قدری است که بعضی از اهل سنت در مورد آن گفته‌اند «فقه بر محور پنج حدیث می‌چرخد که یکی از آن‌ها حدیث «لا ضرر» می‌باشد.^۲ به همین دلیل، بسیاری از فقها نسبت به بحث از این قاعده اهتمام ورزیده و حتی بسیاری از آنان رساله‌های مستقلی در این زمینه تألیف نموده‌اند، مانند رساله شیخ الشریعه اصفهانی (ره) و میرزای نائینی (ره).

همان گونه که در درس‌های گذشته اشاره شد، شیخ انصاری (ره) در «رسائل»، این قاعده را در خاتمه بحث برائت و اشتغال و بعد از نقل قولی از فاضل تونی (ره)، مورد نقد و بررسی قرار داده است.^۳ فقهای بعد از شیخ (ره) نیز به تبعیت از ایشان، در انتهای بحث برائت و اشتغال و به مناسبت بیان شرایط اصول عملیه، به بررسی قاعده «لا ضرر» پرداخته‌اند.^۴ بعضی از آن‌ها بحث را به صورت طولانی و مفصل و بعضی دیگر به صورت مختصر مطرح نموده‌اند و ما هم برای آنکه درک مطالب برای دانش‌پژوه آسان گردد، به صورت مختصر، ضمن نقاط زیر از قاعده «لا ضرر» سخن خواهیم گفت:

۱. مضمون قاعده.^۵

۲. مدرک قاعده.

۳. اختلاف ساختار حدیث مربوط به قاعده.^۶

۴. جمع در روایت یا مروی.^۷

۱. البته در اینکه مقصود از قاعده «لا ضرر» چیست، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که مصنف در نقطه ششم (ص ۱۱۸) به این بحث خواهند پرداخت و این مطلب بنا بر نظر کسانی است که مقصود از «لا ضرر» را نفی حکم منشأ ضرر دانسته‌اند.

۲. سیوطی، تنویر الحوالک، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. البته شیخ انصاری (ره) کتاب مستقلی در رابطه با قاعده «لا ضرر» تألیف نموده است که به آخر کتاب «المکاسب» ملحق شده است و محقق نراقی (ره) در فائده چهارم از «عوائد الأیام» متعرض آن گردیده‌اند. (مصنف)

۴. به طور مثال، محقق خوئی (ره) در «مصباح الأصول» فرموده‌اند: «تعرض فیہ لبیان قاعده لا ضرر، تبعاً لشیخنا الأنصاری (ره) و صاحب الکفایة (ره)» (سید ابوالقاسم خوئی، مصباح الأصول، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۷ هـ.ق، چاپ پنجم، ج ۱، ص ۵۱۸)

۵. یعنی مفاد قاعده و اینکه قاعده مذکور چه هدف و مقصودی را دنبال می‌کند.

۶. ساختار حدیثی که مدرک قاعده «لا ضرر» است به طرق مختلفی نقل شده است، در بعضی از نقل‌ها، «لا ضرر و لا ضرار» به صورت مطلق آمده، در بعضی دیگر «لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» و در بعضی نیز اصلاً عبارت «لا ضرر و لا ضرار» وجود ندارد، بلکه به جای آن عبارت «ما أراک یا سمره إلاً مضاراً» آمده است.

۷. در بعضی روایات، بین یک مسأله شرعی مانند حکم رسول خدا (ص) به ثبوت حق شفعه بین دو شریک و جمله «لا ضرر و لا ضرار» جمع شده است، حالا در اینجا این سؤال مطرح می‌گردد که آیا هر دو قسمت روایت، یعنی حکم به شفعه و استناد به «لا ضرر و لا ضرار» از جانب

۵. توضیح لغات و مفردات حدیث.

۶. مقصود من قاعده «لا ضرر»^۱.

۷- تطبیق حدیث بر داستان سمره بن جندب.

۸. دفع اشکال کثرت تخصیص قاعده.^۲

۹. شمول حدیث نسبت به احکام عدمی

۱۰. وجه تقدّم حدیث علی ادلّه اولیّه.^۳

۱۱. ضرر واقعی یا علمی.^۴

۱۲- تعارض دو ضرر.^۵

۱۳. تمرینات

تطبیق

قاعده لا ضرر؛ قاعده لا ضرر من القواعد المهمّة فی مقام الاستنباط،

قاعده لا ضرر؛ قاعده لا ضرر از قاعده‌های مهمّ در مقام استخراج احکام است،

فإنّه بناءً علی کون المقصود منها نفي الحكم الّذی ینشأ منه الضرر فسوف ینبئ لَدی الفقیه نفي وجوب الوضوء إذا ترتب علیه الضرر و نفي وجوب الصوم إذا ترتب علیه الضرر

رسول خدا (ص) صادر شده است یا اینکه حضرت تنها قسمت اول - یعنی حکم به شفعه -، را ذکر نموده‌اند و قسمت دوم را در جایی دیگر مطرح کرده‌اند و راوی بین صدر و ذیل این دو روایت جمع نموده است.

۱. مهمترین بخش از بحث قاعده «لا ضرر» همین قسمت است که به بیان مقصود از قاعده پرداخته خواهد شد. در اینکه مقصود از قاعده «لا ضرر» چیست، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد، برخی مفاد آن را صرفاً حکم تکلیفی دانسته و برخی دیگر آن را حکم وضعی و رافع احکام ضرری دانسته‌اند، برخی دیگر نیز بین حکم تکلیفی و حکم وضعی جمع نموده‌اند.

۲. در شریعت، احکام ضرری بسیاری به اثبات رسیده و تمامی فقها آن‌ها را پذیرفته‌اند، مانند قصاص، حدود، دیات، جهاد، ضمان و...؛ نتیجه ثبوت این احکام، تخصیص زیاد در قاعده «لا ضرر» است و تخصیص اکثر، عرفاً مستهجن و قبیح است، مانند آنکه کسی بگوید همه وسایل منزل خود را فروختم و بعد بیشتر وسائل را استثناء کرده و یکی دو مورد را باقی بگذارد. متکلم حکیم اینگونه سخن نمی‌گوید، لذا باید این اشکال نسبت به قاعده «لا ضرر» پاسخ داده شود.

۳. رابطه بین حدیث «لا ضرر» با احکام اولیّه مثل وجوب نماز، وجوب روزه و... رابطه عام و خاصّ من وجه است، نقطه اجتماع آن‌ها، حالتی از آن حکم اولیّه است که ضرری باشد، مانند روزه ضرری، نقطه افتراق حکم اولیّه از قاعده، حالاتی است که ضرری نباشد و نقطه افتراق قاعده از حکم اولیّه، حالات ضرری در سایر احکام می‌باشد مانند نماز ضرری. در جایی که رابطه بین دو دلیل، عامّ و خاصّ من وجه باشد، دو قاعده در نقطه اجتماع تعارض نموده و ساقط می‌گردند، نه اینکه یکی از آن دو بر دیگری مقدّم گردد. سؤالی که در اینجا مطرح است، آن است که چگونه فقها حکم به تقدیم حدیث «لا ضرر» نموده‌اند.

۴. اصل اولی در عناوین موجود در ادلّه احکام، حمل بر عنوان واقعی است و حمل بر عنوان علمی نیاز به قرینه دارد؛ اما حمل ضرر در حدیث «لا ضرر» بر ضرر واقعی، مشکلاتی ایجاد می‌کند که باید مورد بررسی قرار گیرد.

۵. یعنی هرگاه امر دائر بین ضرر یکی از دو شخص باشد، کدام یک مقدّم می‌گردند.

۶. ضمیر شأن.

همانا بنا بر اینکه مقصود از قاعده لا ضرر، نفی حکمی باشد که از آن ضرر نشأت می‌گیرد، به زودی نزد فقیه، نفی وجوب وضو در صورتی که ضرر بر آن مترتب گردد، اثبات می‌شود، و (همچنین) نفی وجوب روزه در صورتی که ضرر بر آن مترتب گردد (اثبات می‌شود).

و نفی حُرْمَةِ حَلْقِ^۲ اللَّحِيَةِ^۳ إِذَا تَرْتَّبَ عَلَى عَدَمِهِ^۴ الضَّرْرُ و نفی حُرْمَةِ إِبْرَازِ الْمَرْأَةِ بَعْضَ مَحَاسِنِهَا^۵ إِذَا تَرْتَّبَ عَلَى عَدَمِهِ^۶ الضَّرْرُ

و (همچنین) نفی حرمت تراشیدن ریش در صورتی که ضرر بر عدم آن مترتب گردد (اثبات می‌شود) و (همچنین) نفی حرمت نشان دادن زن بعضی از زیبایی‌های خود را (به اجنبی) در صورتی که ضرر بر عدم آن مترتب گردد (اثبات می‌شود).

و نفی حُرْمَةِ كَشْفِ الْمَرْأَةِ عَوْرَتِهَا أَمَامَ الطَّبِيبِ لِأَجْلِ الْعِلَاجِ أَوْ التَّلْقِيحِ أَوْ الْوِلَادَةِ إِذَا تَرْتَّبَ عَلَى عَدَمِهِ^۷ الضَّرْرُ و (همچنین) نفی حرمت کنارزدن زن (پوشش) عورت خود را در مقابل پزشک، به جهت درمان یا باروری یا زایمان، در صورتی که ضرر بر عدم آن مترتب گردد (اثبات می‌شود).

و أمثال ذلك كثيرٌ و قد بالغَ بعضُ العامَّةِ حَتَّى قَالَ: إِنَّ الْفَقْهَ يَدُورُ عَلَى خَمْسَةِ أَحَادِيثٍ، أَحَدُهَا حَدِيثُ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ و نمونه‌های آن بسیارند و بعضی از اهل سنت زیاده روی نموده تا جایی که گفته است: فقه بر محور پنج حدیث می‌چرخد که یکی از آنها، حدیث لا ضرر و لا ضرار می‌باشد

و قد اهتمَّ بها^۸ علماؤنا الأعلامُ حَتَّى أَلْفَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ رِسَائِلَ مُسْتَقِلَّةً فِي ذَلِكَ، كَشَيْخِ الشَّرِيعَةِ الْإِسْفَهَانِيِّ وَ الْمِيرْزَا النَّائِنِيِّ وَ غَيْرِهِمَا

علمای شاخص ما به این (قاعده) توجه نموده‌اند، تا جایی که بسیاری از آنان، رساله‌های مستقلی را در زمینه تألیف نمودند، مانند شیخ الشریعه اصفهانی و میرزای نائینی و غیر آن دو

و قد بَحَثَهَا الشَّيْخُ الْأَعْظَمُ فِي الرِّسَائِلِ فِي مَبْحَثِ شُرَائِطِ جَرِيَانِ الْأَصُولِ الْعَمَلِيَّةِ الَّذِي ذَكَرَهُ^۹ تَحْتَ عُنْوَانِ خَاتِمَةٍ، و شیخ اعظم (ره) در «رسائل»، در بحث شرائط جاری شدن اصول عملیه که آن را با عنوان خاتمه ذکر کرده است، این (قاعده) را بحث نموده است،

۱. یعنی: قاعده لا ضرر.

۲. یعنی: تراشیدن.

۳. یعنی: ریش.

۴. مرجع ضمیر: حلق اللحیه.

۵. جمع حُسن، زیبایی‌ها.

۶. مرجع ضمیر: إبراز المرأة.

۷. مرجع ضمیر: كشف المرأة.

۸. مرجع ضمیر: قاعده لا ضرر.

۹. مرجع ضمیر: مبحث شرائط جریان الأصول العمليّة.

فَأِنَّهُ نَقَلَ عَنِ الْفَاضِلِ التُّونِيِّ: إِنَّ مِنْ جُمْلَةِ شَرَايِطِ جَرِيَانِ أَصْلِ الْبَرَاءَةِ عَدْمُ تَرْتُّبِ ضَرَرٍ عَلَى إِجْرَاءِ الْبَرَاءَةِ وَبِهَذِهِ الْمُنَاسَبَةِ أَخَذَ بِالْبَحْثِ عَنِ قَاعِدَةِ لَا ضَرَرَ بِشِكْلِ مُسْتَقِلٍّ

پس همانا شیخ اعظم (ره) از فاضل تونی (ره) نقل کرده است که: از شرایط جاری شدن اصل براءت، آن است که ضرری بر جریان براءت مترتب نگردد و به همین مناسبت، شیخ (ره) به صورت مستقل، شروع به بحث از قاعده لا ضرر نموده است

و تَابَعَهُ^۱ عَلَى ذَلِكَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ، فَأَخَذُوا بِالْبَحْثِ عَنْهَا^۲ فِي الْمَوْضِعِ الْمَذْكُورِ وَبَعْضُهُمْ يُطِيبُ^۳ وَبَعْضُهُمْ يَخْتَصِرُ وَنَحْنُ نَحَاوِلُ^۴ الْاِخْتِصَارَ كَيْ يَسْهُلَ عَلَى الطَّالِبِ هَضْمُ مَبَاحِثِهَا

و کسانی که بعد از شیخ (ره) آمدند، در این بحث از شیخ (ره) تبعیت نمودند، پس در محل یاد شده شروع به بحث از قاعده (لا ضرر) نمودند و بعضی از آنان مبالغه نموده و بعضی به صورت خلاصه و مختصر به بحث پرداختند و ما به صورت مختصر به بحث می پردازیم تا فهم مباحث بر دانش پژوه آسان باشد

و نَمْنَهَجُ^۵ الْحَدِيثَ عَنْهَا ضَمْنَ النُّقَاطِ التَّالِيَةِ: ۱- مضمون القاعدة. ۲- مدرک القاعدة. ۳- اختلاف صيغة الحديث. ۴- الجمع في الرواية أو في المروى.

و در ضمن نقاط آینده به سخن گفتن در رابطه با قاعده می پردازیم: ۱- مضمون قاعده. ۲- مدرک قاعده. ۳- اختلاف ساختار حدیث (مدرک قاعده). ۴- جمع در روایت یا در آنچه روایت شده است.

۵- توضیح مفردات الحدیث. ۶- المقصود من قاعدة لا ضرر. ۷- تطبيق الحديث على قضية سمره. ۸- كيف يدفع محذور كثره التخصيص. ۹- شمول الحديث للأحكام العدمية.

۵- توضیح لغات حدیث. ۶- منظور از قاعده لا ضرر. ۷- تطبيق حديث بر داستان سمره بن جندب. ۸- اشكال تخصيص زياد قاعده چگونه دفع می گردد. ۹- شمول قاعده نسبت به احكام عدمی.

۱۰- وجه تقدم الحديث على الأدلة الأولية. ۱۱- الضرر الواقعي أو العلمي. ۱۲- تعارض الضرين. ۱۳- تطبيقات.

۱۰- شكل مقدم شدن حدیث بر ادله اولیه. ۱۱- ضرر واقعي یا علمی. ۱۲- تعارض دو ضرر. ۱۳- تمرينات.

Sco1:20:59

۱. مفاد قاعده «لا ضرر»^۶

^۱. مرجع ضمیر: الشیخ الأعظم (ره).

^۲. مرجع ضمیر: قاعدة لا ضرر.

^۳. یعنی: مبالغه می کند، زیاده روی می کند.

^۴. یعنی: کوشش می کنیم.

^۵. یعنی: راه و روشمان این است.

^۶. این بحث در نقطه ششم «المقصود من قاعدة لا ضرر»، به صورت مفصل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد، لذا به نظر ما، ذکر ناقص آن در ابتدای بحث، مناسب نبوده و بهتر بود مصنف مانند سایر فقها، محور اول را مدرک قاعده قرار می دادند و بحث از مضمون قاعده را در قالب همان محور ششم پیگیری می نمودند. (استاد)

در اینکه مقصود از قاعده «لا ضرر» چیست، بین فقها اختلاف وجود دارد. شیخ انصاری (ره) این قاعده را ناظر به احکام اولیه دانسته و معتقد است مفاد قاعده، نفی هر حکمی است که از ثبوت آن، ضرری متوجه مکلف گردد. به تعبیر دیگر، احکام شرعی اولی، مشروط به عدم ضرر و لولایی^۱ می‌باشند و هر موقع ثبوت حکم، مستلزم ضرر مکلف باشد، حکم برداشته می‌شود. تعدادی از علمای بعد از شیخ (ره) نیز نظر ایشان را پذیرفته‌اند. در مقابل، عدّه‌ای دیگر همچون شیخ الشریعه اصفهانی (ره) نظرشان بر آن است که مقصود از قاعده «لا ضرر»، انشاء تحریم تکلیفی است، یعنی این قاعده در صدد نهی از ضرر رساندن به دیگران و بیان حرمت آن است و هیچ گونه نظارتی بر احکام شرعی اولی ندارد. برداشت‌های دیگری نیز از این قاعده وجود دارد که به زودی به نقد و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.^۲

تطبيق

۱- مضمون القاعدة؛ وَقَعَ الاختلافُ بين الأعلامِ في المقصودِ من قاعدةٍ لا ضررَ و لا ضِرارَ،

مضمون قاعده؛ بین بزرگان ما در مورد منظور از قاعده لا ضرر اختلاف شده است،

فالشَّيْخُ الأعظمُ في رسائلِهِ فهمَ منها: إِنَّ كُلَّ حُكْمٍ يَتَسَبَّبُ مِنْ ثُبُوتِهِ ضَرَرٌ^۳ عَلَى الْمُكَلَّفِ فَهُوَ مَرْفُوعٌ وَ غَيْرُ ثَابِتٍ فِي الشَّرِيعَةِ

شیخ اعظم (ره) در کتاب «رسائل» خود، از قاعده لا ضرر این‌گونه درک نموده است که: هر حکمی که از ثبوت آن، ضرری بر مکلف ناشی گردد، آن حکم در شریعت، برداشته شده و ثابت نشده است

و بِكَلِمَةِ أُخْرَى: كُلُّ حُكْمٍ شُرِّعَ فِي الإِسْلَامِ فَهُوَ ثَابِتٌ مَا دَامَ لَا يَلْزَمُ مِنْ ثُبُوتِهِ ضَرَرٌ عَلَى الْمُكَلَّفِ وَ فِي أَيِّ فِتْرَةٍ^۴ وَ حَالَةٍ يَلْزَمُ الضَّرْرُ مِنْ ثُبُوتِهِ^۵ فِيهَا^۶ كَانِ مَرْتَفَعاً

و به عبارت دیگر؛ هر حکمی که در اسلام وضع شده باشد، تا زمانی برقرار است که از ثبوت آن، ضرری بر مکلف لازم نیاید و در هر مقطع زمانی و حالتی که در آن (مقطع و حالت) ضرری از ثبوتش لازم بیاید، برداشته شده است و قد تابعَ الشَّيْخُ الأعظمُ في رأيه هذا جماعةً مِمَّنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ وَ ذَهَبَ آخِرُونَ - وَ مِنْ جُمْلَتِهِمُ الشَّيْخُ الإصفهانيُّ - إلى أَنَّ المقصودَ النَّهْيُ عَنِ الإِضْرَارِ بِالْآخِرِينَ وَ تَحْرِيمُ ذَلِكَ

و تعدادی از علمایی که بعد از شیخ (ره) آمده‌اند، از وی در این نظریه پیروی نموده‌اند و عدّه‌ای دیگر - که شیخ الشریعه اصفهانی (ره) نیز در زمره آنان است - قائل شده‌اند که منظور، نهی (تکلیفی) از ضرر رساندن به دیگران و

^۱ یعنی: لو لایلزم من ثبوته ضرر علی المکلف.

^۲ رجوع شود به ص ۱۱۸ (۶. المقصود من قاعدة لا ضرر).

^۳ فاعل يتسبب.

^۴ یعنی: فاصله میان دو زمان.

^۵ مرجع ضمیر: کل حکم.

^۶ مرجع ضمیر: الفتره و الحالة.

حرام شمردن آن است

و لَيْسَتْ^۱ بناظرَةً إِلَى الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ وَ نَفِيهَا^۲ حَالَةٌ لُزُومِ الضَّرَرِ وَ هُنَاكَ تَفَاسِيرٌ أُخْرَى نَكْتَفِي الْآنَ بِمَا ذُكِرَ وَ سَيَتَّضِحُ بَعْضُهَا الْآخَرَ فِيمَا بَعْدُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

و (قاعده لا ضرر) نظر به احکام شرعی و نفی آن‌ها در حالتی که ضرر لازم بیاید، ندارد و در آنجا تفسیرهای دیگری نیز وجود دارد که در حال حاضر به آنچه ذکر شد اکتفا می‌کنیم و اگر خداوند متعال بخواهد، بعضی دیگر آن (تفسیرها) به زودی در مباحث آینده روشن خواهد شد.

Sco۲:۲۷:۲۶

۲. مدرک قاعده «لا ضرر»^۳

عبارت «لا ضرر و لا ضرار» در سه جا از روایات ما آمده است:

۱. داستان سمره بن جندب است که کلینی (ره) در «الکافی» آن را این گونه نقل نموده است:

زراره از امام باقر (ع) روایت نموده که ایشان فرمودند: «سمره بن جندب، در باغ یکی از انصار درخت خرمايي داشت و خانه آن انصاری مقابل درب باغ بود. سمره برای سر زدن به درخت خود وارد باغ می‌شد و از جلوی خانه صاحب باغ می‌گذشت و از او اجازه نمی‌گرفت؛ انصاری از سمره خواست که هنگام آمدن اجازه بگیرد و او گوش نداد؛ به همین خاطر، نزد پیامبر (ص) رفت و از سمره شکایت کرد. پیامبر (ص) کسی را نزد سمره فرستاد تا او را از شکایت انصاری آگاه سازد و بگوید هر وقت می‌خواهی وارد باغ شوی از صاحب باغ اجازه بگیر، اما سمره امتناع کرد. پیامبر (ص) از او خواست تا به هر بهایی که دلش می‌خواهد نخل را بفروشد، و او راضی نشد، پیامبر (ص) به او فرمود: به بهای این نخل، درخت خرمايي برای تو در بهشت کاشته خواهد شد، باز هم نپذیرفت. آن‌گاه رسول خدا (ص) به مرد انصاری فرمود: برو و درخت را از ریشه بکن و جلوی او بینداز، زیرا که لا ضرر و لا ضرار، (در شریعت اسلام) نه زیان دیدن است و نه زیان رسانیدن»^۴.

تطبيق

۲- مدرک القاعده؛ وَرَدَّتْ جُمْلَةٌ «لا ضرر و لا ضرار» فی ثلاثة موارد:

۲- مدرک قاعده؛ جمله «لا ضرر و لا ضرار» در سه مورد وارد شده است؛

^۱. اسم لیس: قاعده لا ضرر.

^۲. مرجع ضمیر: الأحكام الشرعیة.

^۳. شیخ انصاری (ره) در کتاب «رسائل» در مورد حدیث مورد استناد قاعده لا ضرر، به بحث و بررسی پرداخته است. (شیخ انصاری، فرائد الأصول، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۸ هـ ق، چاپ نهم، ج ۲، صص ۴۵۷ - ۴۵۹) مصنف نیز در اینجا، همان مباحث را به ضمیمه مباحث رساله «قاعده لا ضرر و لا ضرار» آیت الله سیستانی (سید علی حسینی سیستانی، قاعده لا ضرر و لا ضرار، چاپ اول، صص ۱۱ - ۷۱) مطرح نموده است. (استاد)

^۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۹۲، حدیث ۲.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ^۲ (ع)^۳ قَالَ: إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَدَقٌ^۴ فِي حَائِطٍ^۵ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَكَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ بِيَابِ الْبُسْتَانِ

تعدادی از اصحاب ما از احمد بن محمد بن خالد بن محمد بن پدرش از عبدالله بن بکیر از زراره از ابو جعفر (ع) (روایت نموده‌اند که) ایشان فرمودند: همانا برای سمره بن جندب، در باغ متعلق به یک مرد انصاری، درخت خرمايي وجود داشت و خانه این مرد انصاری مقابل درب باغ بود

وَكَانَ يَمُرُّ بِهِ^۶ إِلَى نَخْلَتِهِ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ فَكَلَّمَهُ^۷ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ فَأَبَى^۸ سَمْرَةُ فَلَمَّا تَأَبَّى^۹ جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى إِي^{۱۰} رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَشَكَاَ إِلَيْهِ وَ خَبَّرَهُ^{۱۱} الْخَبْرَ

و او (دائماً) در مسیر درخت خرماي خود، از آن منزل گذر می‌کرد و اجازه نمی‌گرفت، پس مرد انصاری با او سخن گفت تا اینکه هنگامی که می‌خواهد بیاید، اجازه بگیرد، اما سمره امتناع کرد، پس زمانی که بسیار امتناع کرد، مرد انصاری خدمت رسول خدا (ص) رسید و به ایشان شکایت کرد و وی را از داستان باخبر نمود
فَارْسَلَ إِلَيْهِ^{۱۱} رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ خَبَّرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَا شَكَاَ^{۱۰} وَ قَالَ إِنْ أَرَدْتَ الدُّخُولَ فَاسْتَأْذِنْ فَأَبَى

۱. این تعبیر در اسناد «الکافی» و در طبقه مشایخ مرحوم کلینی آمده و از لحاظ تکرار، در رتبه سوم پس از محمد بن یحیی العطار قرار دارد و مرحوم کلینی اسناد خود را به واسطه این مجموعه به سه نفر می‌رساند: ۱. سهل بن زیاد الأدمی؛ ۲. احمد بن محمد بن عیسی الأشعری؛ ۳. احمد بن محمد بن خالد البرقی. این مجموعه حداقل مشتمل بر یک فرد ثقة است، پس وثوق به این تعبیر محرز است. علامه حلی (ره) در کتاب «خلاصة الأقوال» به معرفی این مجموعه پرداخته‌اند: قال الشيخ الصدوق محمد بن يعقوب الكليني في كتابه الكافي في أخبار كثيرة عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى قال والمراد بقولي عدة من أصحابنا محمد بن يحيى و علي بن موسى الكمندانى و داود بن كورة و أحمد بن إدريس و علي بن إبراهيم بن هاشم و قال كلما ذكرته في كتابي المشار إليه عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي فهم علي بن إبراهيم و علي بن محمد بن عبد الله بن أذينة و أحمد بن عبد الله بن أمية و علي بن الحسن قال و كلما ذكرته في كتابي المشار إليه عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد فهم علي بن محمد بن علان و محمد بن أبي عبد الله و محمد بن الحسن و محمد بن عقيل الكليني. (علامه حلی، خلاصة الأقوال، ج ۱، ص ۲۷۲) راویانی که برجسته شده‌اند، افراد ثقة موجود در هر مجموعه‌اند.

۲. یعنی: امام باقر (ع).

۳. سند روایت، صحیح است: (عدة من أصحابنا) در مباحث رجالی به این تحقیق پیرامون این تعبیر پرداخته و به این نتیجه رسیدیم که مشکلی از ناحیه آن وجود ندارد. (احمد بن محمد بن خالد) این شخص، احمد بن محمد بن خالد البرقی معروف به صاحب «المحاسن» است که نجاشی (ره) در مورد وی گفته است: «او به خودی خود شخص مورد اطمینانی است، از افراد ضعیف روایت کرده و بر روایات مرسل تکیه نموده است». (أبيه) محمد بن خالد البرقی است که شیخ طوسی (ره) ضمن اصحاب امام رضا (ع) او را توثیق نموده است. (عبدالله بن بکیر) شیخ طوسی (ره) در رابطه با او فرموده است: «او فطحی المذهب اما مورد اطمینان است.» (زراره) شأنش بالاتر از آن است که نیاز به توثیق داشته باشد. (مصنف)

۴. یعنی: درخت خرما.

۵. یعنی: باغ، بستان.

۶. مرجع ضمیر: منزل الأنصاری.

۷. مرجع ضمیر: سمره بن جندب.

۸. یعنی: امتناع ورزید.

۹. یعنی: بسیار امتناع ورزید.

۱۰. مرجع ضمیر: رسول الله (ص).

۱۱. مرجع ضمیر: سمره بن جندب.

رسول خدا (ص) (شخصی را) به سوی سمره فرستاد و او را از سخن مرد انصاری و شکایت او باخبر کرد و فرمود: هنگامی که قصد دخول (به باغ را) داشتی، اجازه بگیر، باز هم سمره امتناع کرد

فَلَمَّا أَبِي سَاوَمَهُ^۲ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مِنَ الثَّمَنِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَبَى أَنْ يَبِيعَ فَقَالَ لَكَ بِهَا^۳ عَدَقٌ يُمَدُّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ

پس زمانی که امتناع کرد، پیغمبر (ص) حاضر شد تا به هر قیمتی که او راضی باشد، درخت را بخرد، تا جایی که قیمت به مقدار بسیار بالایی رسید، پس (سمره) از فروش امتناع ورزید، پس (رسول خدا ص) به او فرمود: در مقابل این درخت، درخت خرمایی در بهشت برای تو قرار داده خواهد شد، پس (سمره) از قبول (آن) امتناع کرد

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلْأَنْصَارِيِّ اذْهَبْ فَأَقْلَعْهَا وَارْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ.

(در نتیجه) رسول خدا (ص) به مرد انصاری فرمود: برو و درخت را از ریشه در آور و آن را به سوی سمره پرتاب کن، چرا که ضرر دیدن و ضرر وارد نمودنی (در اسلام) نیست.

Score: ۳۴:۰۵

^۱. مؤول به مصدر، یعنی: شکایته.

^۲. از لحاظ ذکر قیمت خرید کالا و میزان سود و ضرر فروشنده در معامله، بیع به چهار قسم تقسیم می‌گردد: ۱. بیع مساومه: یعنی فروشنده قیمت خرید را ذکر نمی‌کند و کالا را به هر میزان که با مشتری توافق حاصل شود، می‌فروشد؛ ۲. بیع مرابحه: یعنی فروشنده قیمت خرید را ذکر می‌کند و مقداری هم سود لحاظ می‌کند و می‌فروشد؛ ۳. بیع مواضعه: یعنی فروشنده قیمت خرید را ذکر می‌کند و زیر قیمت خرید می‌فروشد؛ ۴. بیع تولیه: یعنی فروشنده به اندازه قیمت خرید می‌فروشد. (میرزا علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۱۴) بنابراین، «ساومه» به معنای آن است که هر قیمتی که فروشنده و خریدار توافق کردند، کالا به فروش رود.

^۳. مرجع ضمیر: النخلة.

چکیده

۱. قاعده «لا ضرر» از قواعد بسیار مهمّ در مسیر استنباط و استخراج احکام شرعی است، به همین دلیل، بسیاری از فقها نسبت به بحث از این قاعده اهتمام ورزیده و حتّی بسیاری از آنان رساله‌های مستقلّی در این زمینه تألیف نموده‌اند، مانند رساله شیخ الشریعه اصفهانی (ره) و میرزای نائینی (ره).

۲. در اینکه مقصود از قاعده «لا ضرر» چیست، بین فقها اختلاف وجود دارد. شیخ انصاری (ره) این قاعده را ناظر به احکام اولیّه دانسته و مفاد آن را، نفی احکام ضرری می‌داند، در مقابل، عدّه‌ای دیگر همچون شیخ الشریعه اصفهانی (ره)، معتقدند مقصود از قاعده «لا ضرر»، انشاء تحریم تکلیفی است.

۳. عبارت «لا ضرر و لا ضرار» در سه جا از روایات ما آمده است. اولین مورد، داستان سمره بن جندب است که کلینی (ره) در کتاب «الکافی»، آن را از امام باقر (ع) نقل نموده است.

آزمون

۱. اگر مقصود از قاعده «لا ضرر» انشاء تحریم تکلیفی باشد، احکام اولیئیه ضرری برداشته نخواهند شد.

پاسخ: درست

▼
درست
نادرست

۲. شیخ الشریعه اصفهانی (ره) مفاد قاعده «لا ضرر» را نفی احکام ضرری می‌داند.

پاسخ: نادرست

▼
درست
نادرست

۳. با قاعده «لا ضرر»، وجوب در صورتی که ضرری باشد، رفع نمی‌گردد.

پاسخ: پرداخت دیه

▼
مخفی نمودن زینت زن
پوشیدن عورت مقابل پزشک
پرداخت دیه
نماز
روزه

۴. در صورتی که مفاد قاعده «لا ضرر» را بدانیم، احکام شرعی اولی، مشروط و لولایی خواهند شد.

الف) انشاء تحریم تکلیفی ب) رفع احکام ضرری

ج) انشاء حکم تکلیفی و رفع احکام ضرری د) ب و ج

۵. کدام یک از فقهای زیر، رساله مستقلى در رابطه با قاعده «لا ضرر» تألیف نموده‌اند؟

الف - میرزای نائینی (ره) ب - شیخ الشریعه اصفهانی (ره)

ج - شیخ انصاری (ره) د - همه موارد

هیئت

شیخ الشریعه اصفهانی (ره)، میرزای نائینی (ره)، حکم شرعی اولیٰ، الکلینی (ره)، الکافی.